

بررسی پدیده خشونت خانگی از نگاه ارتباطات

قتل به جای قهر؛ چرا؟

ادامه از صفحه اول/ «مدارا» یعنی طرفین فعلاً همدیگر را تحمل می کنند و خود این رخداد بعدی را به وجود می آورد که گفت وگو است. وقتی در یک جامعه اتفاقاتی خشن رخ می دهد و مدارا به حداقل می رسد، دلایل مختلفی دارد. از دید کارشناسان ارتباطات به واقع تبادل معنا صورت نمی گیرد یعنی شاهد گفت وگوئی ارتباطی نیستیم یا معنایی هم مبادله نمی شود. در خشونت های خانگی، قاتل می گوید ما باهم تفاهم و گفت وگو نداشتیم و آرامی دیدیم اما این توجیه است چرا که اگر چنین بوده باید قهر اتفاق بیفتد نه قتل. چرا به جای «قهر»، «قتل» رخ می دهد؟

ما در حال حاضر شاهد قتل یعنی بالاترین سطح خشونت هستیم. دلیلش آن است که تبادل معنایی صورت نمی گیرد. اتفاق دوم آن است که ما در ارتباطات پدیده های داریم به نام ایمپجینگ یعنی تصویری که از مفاهیم و مصادیق به وجود می آیند. ما ممکن است از موضع طرف مقابل مان یک تصویری پیدا کنیم که آن تصور با واقعیت فاصله دارد. اما چرا دچار سو برداشت می شویم؟ به خاطر اینکه به واقع آن چیزی که در مصادیق عینی و مصادیق عملی درون جامعه است حداقل است. مصادیق در جامعه ما باید به سمت یک تفاهم و گفت وگوئی «جمعی» یا «گروهی» و «فردی» باشد.

«خشونت خانگی» از دید من آینه ای است از یک جامعه به خشونت و به بن بست رسیده. من این عوامل را بسیار جدی می دانم.

توصیه اول من به «نخبگان» است. نخبگان باید با همه دلخوری هایی که دارند به میدان بیایند چون می توانند راهکار ارائه دهند. هم به بالای هرم که حاکمان اند و هم به میانه هرم که کنشگرانند و هم به پایین هرم که شهروندانند. نخبگان در هر جامعه ای سرمایه بزرگی هستند و از این سرمایه بزرگ اجتماعی باید استفاده کرد. باید راه گفت وگو را باز کنیم تا به یک راهکار برسیم که حتی اگر آن را قبول نداشته باشیم وقتی که اجرا می شود نتیجه اش آرامش برای جامعه است. اگر آرامش باشد آدم ها حذف نمی شوند. نخبگان باید این چرخه غلطی را که در جامعه رخ داده برگردانند. باید این رنگ خطر را جدی بگیریم تا شاهد اتفاقات بدتری نباشیم.

فرودگاه قلعه مرغی - ۴

آغاز مبارزه برای قتل عام کبوتران

محمد باوری/ آنچه گذشت: او اخر دهه ۳۰ هجوم دسته ای از کبوتران به یک هواپیمای نظامی سبب سقوط طین هواپیمای شد و برای امنیت پرواز در آسمان تهران، مبارزه با کبوتر بازی به حکومت نظامی سپرده شده و مقرر شد کسانی که اقدام به مسابقات کبوتر بازی کنند یا کبوتری در خانه داشته باشند در دادگاه نظامی محاکمه می شوند. یک استوار پاسگاه ژاندارمری قلعه مرغی در جنوب شهر که حوزه استحفاظی نخستین فرودگاه تهران بود با سفارش یکی از همکاران روزنامه نگارم در تحریریه روزنامه کیهان به دیدنم آمد تا مشکل عجیبی را که داشت با من (به عنوان دبیر سرویس حوادث روزنامه) در میان بگذارد...

استواری جاقی باقامتی نسبتاً کوتاه نگاه مهریانی در چشم هایش می درخشید که هر بیننده ای را جذب می کرد، وقتی من را در انتظار شنیدن دید با تواضع خاصی کردن خم کرد و گفت: -من استوار قاسمی، معروف به خان نایب، سرگروه مأموران پاسگاه ژاندارمری در حوزه استحفاظی فرودگاه قلعه مرغی هستم و در دوره خدمت ده - پانزده ساله ام طوری با مردم رفتار کرده ام که بزرگ و کوچک حرم تر را داشته باشند و از همه مهر و محبت ببینم.

استوار نایب لیخندی زد و ادامه داد:

اهالی به شوخی مثلی دارند که می گویند: شبی که نوبت استوار نایب در گشت شبانه است، آن شب زده ها هم به احترامش از دیوار خانه ای بالا نمی روند، هر چند این حرف شان از سر مزاح و شوخی است اما نشان می دهد که همه احترامم را دارند و من هم همین طور... پرسیدم: پس مشکل تان چی هست که برای حل آن به دیدنم در روزنامه آمده اید؟

استوار نایب آه گشان می گوید:

در ارتباط با دستگیری و محاکمه کبوتر بازهاست. همان طور که در صفحه حوادث روزنامه تان نوشته اید پس از برخورد یک دسته کبوتر با یک هواپیمای کبوتر بازی قدغن شد و هر کس اقدام به نگهداری یا برگزاری مسابقه کبوتر پرانی کند در دادگاه نظامی محاکمه خواهد شد. از قضا آن شب در حاشیه فرودگاه قلعه مرغی دو کبوتر باز مسابقه کفتر پرانی داشتند و نقل می کنند که دسته ای از کبوترهای این مسابقه با هواپیمای برخورد کرده اند در صورتی که این حادثه در آسمان فرودگاه مهرآباد اتفاق افتاده با این حال دستور رسیده در قلعه مرغی مبارزه با کفتر پرانی با شدت بیشتری اجرا شود.

به دستور رئیس باشگاه قلعه مرغی، باید یک گروه ضربت با همکاری مأموران پاسگاه برای مبارزه با کبوتر بازی تشکیل بدهیم، به دارندگان کبوتر یک هفته مهلت دادیم کبوتران شان را به پاسگاه بیاورند و در حیاط کارد و جاقو و دست شان دادیم تا کبوتران شان را سر ببرند و بعد تعهدنامه ای را امضا کنند که از این پس اگر در خانه شان کبوتری کشف شود او را با تنظیم پرونده ای برای محاکمه به دادگاه نظامی معرفی کنیم. بعد هم بازرسی خانه به خانه را شروع کردیم تا کبوتر بازی را قلع و قمع کنیم. هر چند در این مدت احترام و حرمت من در میان مردم قلعه مرغی به خاطر مبارزه با کبوتر بازی از بین رفته و در کوچه و خیابان حتی بزرگ و کوچک نگاهی به من نمی کنند و بی اعتنا از کنار می گذرند اما مشکل بزرگتری پیدا کرده ام که آرامش شب و روزم را از من گرفته به خاطر همین مشکل است که به دیدن تان آمده ام تا راه نجاتی پیدا شود. استوار آهی می کشد و می گوید:

از روزی بگویم که مأموریت مبارزه با کبوتر بازی به من واگذار شد. رفتم به مردم نشان بدهم در ریشه کن کردن کبوتر و کبوتر بازی آشنا و غریبه برایم فرقی ندارند و برنامه کبوتر کشی را از خانواده خودم شروع کردم...

و اما مبارزه چگونه آغاز شد. نوبی قهوه خانه بازار چه قلعه مرغی مردها کیپ هم بهت زده نشسته بودند و چشم به رادیوی قدیمی روی پیشخوان قهوه چی داشتند؛ مارش عزا پخش می شد و گوینده رادیو لحظه به لحظه اعلام می کرد: شونندگان عزیز توجه کنید در پی سقوط یک هواپیمای نظامی در برخورد با کبوتران چند لحظه ای اطلاعیه فرمانداری نظامی تهران درباره این سانحه غمناک پخش خواهد شد. در این هنگام استوار نایب با شتاب وارد قهوه خانه شد و با فشار دست در را به روی هجوم طوفان باد که در بیرون ادامه داشت بست کاسکت خاک آلودش را از سر برداشت و در حال تکان دادن کلاه، بی یک صندلی خالی چشم گرداند. پیرمردی با احترام نیم خیز شد و گوشه یک تخت برایش جا واکرد. بفرما خان نایب، خوش آمدی، صفا آوردی.

وسرها به احترامش خم شدند. استوار لب تخت نشست و نگاه نگرانش به چهره مردها پر سه زد. از پیرمرد پرسید:

چه خبر شده اخوی؟ مارش عزا برای چه پخش میشه؟ قراره اعلامیه جنگی پخش کنند از رادیو؟ نه خان نایب، این مارش برای کشته شدن طیاره نظامی است. منتظریم اعلامیه فرمانداری نظامی را پخش کنند. شنیدیم کبوتر بازی قدغن میشه قراره کفتر بازا تو دادگاه نظامی محاکمه شن. در این هنگام مارش نظامی قطع شد و گوینده رادیو با صدای غرایی اعلام کرد:

شونندگان عزیز توجه کنید. این اعلامیه امروز از طرف فرمانداری نظامی تهران انتشار یافته است. هموطنان توجه کنید... با این هشدار سکوت سنگین با چهره های بهت زده حاضران فضای قهوه خانه را فرا گرفت...

■ ادامه مطلب پنجشنبه آینده

اعتراف پدر ۸۱ ساله بابک خرم دین به ۲ جنایت دیگر

۳۰ قتل پیراز ابهام

گروه حوادث - مرجان همامیو/ پدر بابک خرم دین در حالی در کمتر از ۴۸ ساعت پس از دستگیری به قتل داماد و دخترش با همدستی همسرش اعتراف کرده که مدعی است قصد کشتن دو فرزند دیگرش را هم داشته است.

راز این جنایت های هولناک از صبح یکشنبه با کشف اعضای بدن یک مرد در سطل زباله در شهرک اکباتان آغاز شد. در کمتر از ۶ ساعت هویت مقتول شناسایی و با اعترافات پدر و مادر مقتول مشخص شد بابک خرم دین کارگردان مستندساز به دست والدینش به قتل رسیده است. اما فقط ۴۸ ساعت پس از این

اعتراف هولناک پدر مقتول به ۲ قتل دیگر اعتراف کرد. وی مدعی شد در سال ۹۰ دامادش فرامرز را کشته و در سال ۹۷ نیز یکی از دخترانش آرزو را به قتل رسانده است.

محمد شهریار، سرپرست دادسرای جنایی تهران با اعلام این خبر گفت: زمانی که این زوج سالخورده به اتهام قتل پسرشان بابک بازداشت شدند، متوجه شدیم او یک دختر دیگر هم داشته که ناپدید شده و سال ۹۰ هم دامادش ناپدید شده است.

بنابراین احتمال قتل آنها هم مطرح شد چرا که گفته بود دخترم به ترکیه رفته ولی در استعلاماتی که انجام شد هیچ ورود و خروجی با مشخصات دختر متهم به دست نیامد. همین مسأله احتمال جنایت را بیشتر تقویت کرد.

فرضیه قتل دامادشان نیز به دنبال آن مطرح شد. تحقیقات روی این موارد متمرکز شد و احمد و همسرش به قتل داماد و دخترشان اعتراف کردند. او همچنین در اعترافاتش به مطرح شد چرا که گفته بود دخترم به ترکیه رفته ولی در استعلاماتی که انجام شد هیچ ورود و خروجی با مشخصات دختر متهم به دست نیامد. همین مسأله احتمال جنایت را بیشتر تقویت کرد.

فرضیه قتل دامادشان نیز به دنبال آن مطرح شد.

تحقیقات روی این موارد متمرکز شد و احمد و همسرش به قتل داماد و دخترشان اعتراف کردند. او همچنین در اعترافاتش به مطرح شد چرا که گفته بود دخترم به ترکیه رفته ولی در استعلاماتی که انجام شد هیچ ورود و خروجی با مشخصات دختر متهم به دست نیامد.

فرضیه قتل دامادشان نیز به دنبال آن مطرح شد. تحقیقات روی این موارد متمرکز شد و احمد و همسرش به قتل داماد و دخترشان اعتراف کردند. او همچنین در اعترافاتش به مطرح شد چرا که گفته بود دخترم به ترکیه رفته ولی در استعلاماتی که انجام شد هیچ ورود و خروجی با مشخصات دختر متهم به دست نیامد.

فرضیه قتل دامادشان نیز به دنبال آن مطرح شد. تحقیقات روی این موارد متمرکز شد و احمد و همسرش به قتل داماد و دخترشان اعتراف کردند. او همچنین در اعترافاتش به مطرح شد چرا که گفته بود دخترم به ترکیه رفته ولی در استعلاماتی که انجام شد هیچ ورود و خروجی با مشخصات دختر متهم به دست نیامد.

فرضیه قتل دامادشان نیز به دنبال آن مطرح شد. تحقیقات روی این موارد متمرکز شد و احمد و همسرش به قتل داماد و دخترشان اعتراف کردند. او همچنین در اعترافاتش به مطرح شد چرا که گفته بود دخترم به ترکیه رفته ولی در استعلاماتی که انجام شد هیچ ورود و خروجی با مشخصات دختر متهم به دست نیامد.

فرضیه قتل دامادشان نیز به دنبال آن مطرح شد. تحقیقات روی این موارد متمرکز شد و احمد و همسرش به قتل داماد و دخترشان اعتراف کردند. او همچنین در اعترافاتش به مطرح شد چرا که گفته بود دخترم به ترکیه رفته ولی در استعلاماتی که انجام شد هیچ ورود و خروجی با مشخصات دختر متهم به دست نیامد.

فرضیه قتل دامادشان نیز به دنبال آن مطرح شد. تحقیقات روی این موارد متمرکز شد و احمد و همسرش به قتل داماد و دخترشان اعتراف کردند. او همچنین در اعترافاتش به مطرح شد چرا که گفته بود دخترم به ترکیه رفته ولی در استعلاماتی که انجام شد هیچ ورود و خروجی با مشخصات دختر متهم به دست نیامد.

فرضیه قتل دامادشان نیز به دنبال آن مطرح شد. تحقیقات روی این موارد متمرکز شد و احمد و همسرش به قتل داماد و دخترشان اعتراف کردند. او همچنین در اعترافاتش به مطرح شد چرا که گفته بود دخترم به ترکیه رفته ولی در استعلاماتی که انجام شد هیچ ورود و خروجی با مشخصات دختر متهم به دست نیامد.

فرضیه قتل دامادشان نیز به دنبال آن مطرح شد. تحقیقات روی این موارد متمرکز شد و احمد و همسرش به قتل داماد و دخترشان اعتراف کردند. او همچنین در اعترافاتش به مطرح شد چرا که گفته بود دخترم به ترکیه رفته ولی در استعلاماتی که انجام شد هیچ ورود و خروجی با مشخصات دختر متهم به دست نیامد.

فرضیه قتل دامادشان نیز به دنبال آن مطرح شد. تحقیقات روی این موارد متمرکز شد و احمد و همسرش به قتل داماد و دخترشان اعتراف کردند. او همچنین در اعترافاتش به مطرح شد چرا که گفته بود دخترم به ترکیه رفته ولی در استعلاماتی که انجام شد هیچ ورود و خروجی با مشخصات دختر متهم به دست نیامد.

فرضیه قتل دامادشان نیز به دنبال آن مطرح شد. تحقیقات روی این موارد متمرکز شد و احمد و همسرش به قتل داماد و دخترشان اعتراف کردند. او همچنین در اعترافاتش به مطرح شد چرا که گفته بود دخترم به ترکیه رفته ولی در استعلاماتی که انجام شد هیچ ورود و خروجی با مشخصات دختر متهم به دست نیامد.

فرضیه قتل دامادشان نیز به دنبال آن مطرح شد. تحقیقات روی این موارد متمرکز شد و احمد و همسرش به قتل داماد و دخترشان اعتراف کردند. او همچنین در اعترافاتش به مطرح شد چرا که گفته بود دخترم به ترکیه رفته ولی در استعلاماتی که انجام شد هیچ ورود و خروجی با مشخصات دختر متهم به دست نیامد.

فرضیه قتل دامادشان نیز به دنبال آن مطرح شد. تحقیقات روی این موارد متمرکز شد و احمد و همسرش به قتل داماد و دخترشان اعتراف کردند. او همچنین در اعترافاتش به مطرح شد چرا که گفته بود دخترم به ترکیه رفته ولی در استعلاماتی که انجام شد هیچ ورود و خروجی با مشخصات دختر متهم به دست نیامد.

فرضیه قتل دامادشان نیز به دنبال آن مطرح شد. تحقیقات روی این موارد متمرکز شد و احمد و همسرش به قتل داماد و دخترشان اعتراف کردند. او همچنین در اعترافاتش به مطرح شد چرا که گفته بود دخترم به ترکیه رفته ولی در استعلاماتی که انجام شد هیچ ورود و خروجی با مشخصات دختر متهم به دست نیامد.

فرضیه قتل دامادشان نیز به دنبال آن مطرح شد. تحقیقات روی این موارد متمرکز شد و احمد و همسرش به قتل داماد و دخترشان اعتراف کردند. او همچنین در اعترافاتش به مطرح شد چرا که گفته بود دخترم به ترکیه رفته ولی در استعلاماتی که انجام شد هیچ ورود و خروجی با مشخصات دختر متهم به دست نیامد.



آرزو خرم دین - مقتول



از طرف دانشجویان سینما و بازیگری

خلاف بود باور کردند. دخترتان را به چه دلیل به قتل رساندید؟ دامادمان را که کشتیم، طلاق غیابی دخترم را گرفتم و جهیزیه اش را که آن موقع ۷۰ میلیون تومان خریده بودم به یک راننده که می خواست دخترش را بخر دهد. ۵۰۰ هزار تومان فروختم. اما بعد از قتل داماد بدبختی و مصیبت ما زیاد شد. افتاده بود در کار خلاف و ماری جوانا و تریاک و هروئین مصرف می کرد. اذیت هایش خیلی زیاد بود. سال ۹۷ یک روز صبح کله پاچه خریدم. چون آرزو خیلی کله پاچه دوست داشت و باهم مثل قبل داخل آن همسرم قرض هایش را ریختم و بعد از بی هوش شدن با کمک همسرم جسد را داخل حمام

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

است. آنها هم چون فرامرز در کار

نگاه فرزت قلعه دار دبیر گروه حوادث

وقتی از کودکی به توپاد داده اند که از هر جا واماندی و از هر دری که رانده شدی می توانی به آغوش گرم مادر و دستان امن پدرت پناه ببری وای از روزی که امن ترین جای جهان و گرم ترین آغوش دنیا به قتلگاهت بدل شود و مهربانترین انسان زندگی ات نقشه سلاخی ات را طراحی و اجرا کند. نوشتن از اعترافات بی رحمانه این پدر و مادر خیلی سخت است. پدری که مدعی دفاع از کشور است و سال ها برای امنیت مردم کشورش با دشمن جنگیده حالا همانند دشمنی بی رحم تیشه به ریشه خانواده اش زده و فرزندانی را که بخشی از وجودش بوده اند به بهانه های واهی به دیار باقی فرستاده است.

قتل بابک خرم دین کارگردان ۴۷ ساله سینما به دست پدر و مادرش را شاید بتوان یکی از هولناک ترین جنایت های چند دهه اخیر در کشور دانست اما آنچه این خبر را به شوک آورترین خبر قرن تبدیل می کند آخرین اعتراف پدر بابک است به قتل دختر و دامادش که البته خواهرزاده اش نیز بوده است. پیرمرد ۸۱ ساله صبح دیروز پس از بیان جزئیات جنایت های فجیع خود و بازسازی صحنه های قتل در کمال خو سردی بازل زدن به لنز دوربین خبرنگاران و عکاسان در حالی که دستانش را به علامت پیروزی بالا برده بود ژست پیروزمندانه اش را در قلاب تاریخ ثبت کرد. البته شاید بتوان بخش غم انگیز این تراژدی خانوادگی را اعترافات تلخ مادر بابک و آرزو دانست. زنی ۷۵ ساله که در کمال ناباوری پسر و دختر جوانش را با دستان خود به کام مرگ فرستاده و حتی به این هم راضی نشده و در سلاخی کردن فرزندانش با همسر خود همدست شده و جگر گوشه هایش را در کیسه های سیاه بسته بندی و اعضای بدنشان را در گوشه و کنار این شهر رها کرده است. توشن از این پرونده خیلی سخت است.

هر چند در این پرونده هنوز هم ابهامات زیادی وجود دارد و پس از شنیدن جزئیات ماجرای قتل ها اعتراضات متهمان سولات بسیاری ذهن مخاطب را درگیر می کند اما آنچه بیش از همه آزار دهنده است رفتار خوشتردانه و قیافه حق به جانب قاتلانی است که عزیزترین های زندگی شان را با دستانشان به قتل رسانده اند و دریغ از حتی یک لحظه پشیمانی.

می کند: او خیلی عصبی و به هم ریخته است. از رفتارهای پسرم افشین هم خوشم نمی آید.

■ چرا اسم فامیل تان را عوض کرده بودید؟

من سال ۴۱ فامیلی ام را به خرم دین تغییر دادم. اسم بابک را هم برای همین روی پسرم گذاشتم اما او مثل بابک خرم دین نشد. وصیت کردم وقتی مردم مرا مقابل قلعه بابک خرم دین دفن کنند تا هر کسی که برای دیدن او می آید از روی قبر من رد شود. حتی کتابی هم در سوگ بابک خرم دین دارم می نویسم. او در پاسخ به خبرنگار «ایران» در مورد اینکه بعد از قتل ها عذاب وجدان ناشتی و کابوس نمی دیدی گفت: برای هیچ کدام از آنها عذاب وجدان نداشتم و هیچ وقت کابوس نمی دیدم چون احساس گناه نداشتم. برای اینکه کسانی را به قتل رسانده بودم که معضل جامعه بودند و فساد اخلاقی داشتند.

دستگیری ۱۵ مجرم در طرح پلیس البرز



گروه حوادث/ عملیات ویژه پلیس آگاهی استان البرز با دستگیری ۱۵ متهم و انهدام ۳۹ باند سرقت پایان یافت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، سردار عباسعلی محمدیان رئیس پلیس استان البرز صبح دیروز در حاشیه نمایشگاهی با عنوان دستگیری سارقان و کشف اموال مسروقه که طی ۷۲ ساعت گذشته انجام شده در جمع خبرنگاران گفت: در این عملیات گسترده غیر از دستگیری چندین سارق، قاتل، کلاهبردار و کیف زن، موفق به کشف سه فقره قتل، پنج فقره کلاهبرداری و یک فقره سرقت مسلحانه شدیم

که در مجموع اجرای این طرح ۱۱۵ متهم دستگیر شدند.

رئیس پلیس استان البرز همچنین از دستگیری ۶ مالخر خبر داد و گفت: ارزش ربانی اموال کشف شده در این طرح ۱۱۳ میلیارد تومان است.

فرمانده انتظامی البرز در ادامه با بیان اینکه سارقان با هر پوشش و شکلی که اقدام به انجام جرم کنند

و با بستن دست و پای زن صاحبخانه طلا و وسایل گرانبهاتر او را ربوند اما در اجرای این طرح شناسایی و دستگیر شدند.

زن جوان درباره سرقت گفت: نیمه شب زمانی که من و خانواده ام در خانه خواب بودیم دو نقابدار وارد خانه ما شدند یکی از آنها مقابل در

ایستاده بود و دیگری وارد خانه شد بعد با تهدید اسلحه ای که داشت از من خواست سکوت کنم، او با چسب

دهانم را بست و طلاهایم را ربود. من آنقدر ترسیده بودم که مدتی بعد بیهوش شدم، فرزند خردسالم بعد از این ماجرا کابوس می بیند.

پلیس توانایی رصد و شناسایی آنها را دارد، افزود: مجازات بسیار سنگینی در انتظار این افراد است به گونه ای که کوچک ترین تحقیقی برای آنها قائل نخواهیم شد، تمام مرخصی، تخفیف و عفو از این مجرمان در استان برداشته شده است.

وی از مردم خواست مراجعه افراد مشکوک تحت عنوان مأمور به در منزل یا محل کار را به مرکز فوریت های پلیس ۱۱۰ گزارش کنند.

■ **سرقت مسلحانه از یک خانه در کرج**
فرمانده انتظامی البرز در ادامه با بیان اینکه سارقان با هر پوشش و شکلی که اقدام به انجام جرم کنند